

موش

بازی در دو پرده و یک تابلو

چاپ دوم



نمایشنامه‌های بیدگل: فرسی (۱)

بهمن فرسی

آدم‌های بازی:

میانجی

مدیر دولت

مدیر پاسداری

مدیر بهداشت

مدیر نفوس

مدیر مسکن

مدیر فرهنگ

موش در جوانی

مدیر مسکن وقت

مدیر نفوس وقت

موش

زمان بازی: پس فردا

مکان بازی: شهری که نام آن در گذشته ترفنج بوده است.

چشم انداز

(اتاق مدیر دولت ترفنج در هفتادمین طبقه يك آسمانخراش. تمام لوازم این اتاق از لحاظ شکل منحصر به فرد هستند.)

پیش درآمد

(اتاق، به کندی، با نوری که کانون آن پیدا نیست پر و روشن می شود. میانجی ته صحنه ایستاده است و انگشت اشاره دست چپش را با وسواس و سماجت می جود.)

میانجی

(به انگشت خودش) آگه تو رو تا بیخ هم بجوم باز مجبورم اشاره یی بکنم. خب... (اتاق را برانداز می کند). نه، باور نکنید که اینجا یکی از غرفه های یه موزه... یه موزه باشه (مکت) اصلاً چرا خیال نکنیم که... شاید... از هر دو تا چیز شبیه به هم یکیش بدلی یا زیادیه؟ هان؟ مثلاً آدمایی که رو این صندلی ها می شینن آیا واقعاً شباهتی به هم دارن تا اینام داشته باشن؟ بله، به شرط این که در کلمه شباهت رو